

◆ اعجاز قرآن

آیا زمان معجزه‌ها سپری شده است؟ و ما دیگر شاهد وقوع آنها نخواهیم بود؟ آیا از آنجا که معجزات انبیای گذشته مربوط به زمان و مکان خاص خودشان بوده است ما باید با استفاده از اسنادی که از گذشته به جا مانده از آن معجزات آگاه شویم تا بتوانیم به آن پیامبران ایمان بیاوریم؟

در جستجوی یافتن پاسخی مناسب به این سوالات با کتاب آسمانی دین اسلام مواجه می‌شویم. قرآن، تنها کتاب آسمانی است که با صراحت و قاطعیت تمام ادعا می‌کند که معجزه‌ای است جاوید برای تمامی مردم، در هر زمان و هر مکان و با هر ملیتی که دارند.

قرآن و ادعای اعجاز

همانگونه که می‌دانیم، معجزه امر خارق‌العاده‌ای است که همه افراد بشر از انجام دادن عملی مانند آن ناتوان هستند. کسی که ادعای پیامبری می‌کند با ارائه دادن معجزه، این ادعا را دارد که چون نوع بشر توانایی انجام عملی مانند عمل او را ندارد،

بنابراین بایستی عمل او به واسطه ارتباطی که با قدرتی مافوق قدرتهای بشری دارد، انجام شده باشد و او آفریننده این عالم است. در واقع خدا خواسته است با دادن این قدرت به او، رابطه بین او و خود را تأیید کند.

قرآن نیز برای آنکه ادعای معجزه بودن خود را ثابت کند، اینگونه بیان می‌کند که هر کس در خدایی بودن این کتاب شک دارد و آن را ساخته و پرداخته پیامبر اسلام می‌داند یک کتاب همانند آن بیاورد و آنگاه ادعا می‌کند که قطعاً اگر تمامی انسانها با هم متحد شوند تا بتوانند یک کتاب مانند قرآن پدید آورند، هرگز نخواهند توانست. سپس در مرحله بعد برای اینکه بتواند ناتوانی بشر را در آوردن مثل خود اثبات کند و عجز مخالفین را آشکارتر سازد مجال را برای مخالفین بازتر کرده بیان می‌کند حال که نمی‌توانید مانند قرآن را بیاورید لاقلاً مانند ده سوره آنرا بیاورید. و دوباره ادعا می‌کند که هرگز نخواهید توانست و در ادامه هشدار می‌دهد که اگر نتوانستید، بدانید که قرآن از جانب خداست. و بالاخره آنجا که می‌خواهد نهایت عجز دیگران را در برابر خود آشکار کند، تنها به یک سوره بسنده می‌کند و این در حالی است که یک

سوره می‌تواند تا حد یک سطر هم کوتاه باشد و سپس ادعا می‌کند که هرگز نخواهید توانست حتی یک سوره مانند سور قرآنی بیاورید.

حال باید بدانیم که قرآن نسبت به چه امری مبارزطلبی نموده است. محققین اسلامی معتقدند که کل قرآن در مجموع دارای چندین وجه اعجاز می‌باشد اما آن وجه از اعجاز که قرآن نسبت به تک تک سور خود نسبت به آن مبارزطلبی می‌کند همان فصاحت و بلاغت آیه‌های آن می‌باشد.

اعجاز قرآن از نظر فصاحت و بلاغت

فصاحت و بلاغت به این معناست که در بیان مطلب و مقصود مورد نظر بتوان از الفاظ شیوا و زیبا و ترکیبات سنجیده و خوش‌آهنگ بهره برد. محققین ادب عرب معتقدند که این وجه در تک‌تک سور قرآن مشهود است.

در بررسی ادعای آنان، ابتدا باید ببینیم که آیا در طول بیش از هزار و چهار صد سال که از نزول قرآن می‌گذرد واقعاً هیچ کس نتوانسته است حتی یک سوره یک

سطری نظیر قرآن بیاورد؟ یعنی آیا واقعاً تا به امروز کسی نتوانسته است به این مبارزطلبی آشکار پاسخ دهد؟ در جواب به این سوال، باید به تاریخ رجوع کرد. هنگامی که به تاریخ مراجعه می‌کنیم در می‌یابیم که مورخین، اعم از مورخین اسلامی و مستشرقین و مورخین ادیان و ملل دیگر، هیچ نمونه قابل توجهی از پاسخگویی منکرین و مخالفین اسلام ثبت نکرده‌اند و از آنجا که تاریخ جزئیات بسیاری از اقدامات مخالفین پیامبر اسلام و آیین او را، ثبت کرده است، یقین می‌کنیم که اگر واقعا نمونه قابل توجهی آورده شده بود، چنین نمونه مهمی که نمایانگر بطلان دین اسلام بود حتما در تاریخ ثبت می‌شد. همچنین در دوران معاصر نیز همگان را در برابر این مبارزطلبی آشکار قرآن ساکت می‌یابیم.

چرا دیگران در برابر مبارزطلبی قرآن سکوت کرده‌اند؟

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا اگر در برابر این مبارزطلبی آشکار، همگان چه در طول تاریخ و چه امروز سکوت اختیار کرده‌اند، لزوماً به معنای عجز آنها از

آوردن مثل قرآن می‌باشد؟ و یا دلایل دیگری می‌تواند داشته باشد؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان سه حالت را در برابر سکوت دیگران تصور کرد:

۱- ممکن است انگیزه‌ای برای پاسخگویی به این مبارزطلبی قرآن در گذشته و حال وجود نداشته باشد.

۲- انگیزه پاسخگویی وجود داشته اما فن ادب عرب پس از عصر نزول قرآن کم‌کم ضعیف‌تر شده و از بین رفته و امروزه نیز در میان غیر مسلمین ادیب عرب وجود ندارد تا بتواند به مبارزطلبی قرآن پاسخ دهد.

۳- هیچکدام از دو حالت قبل، اتفاق نیفتاده، بلکه واقعا از آوردن همانند قرآن عاجز شده و منصرف گشته‌اند.

در بررسی حالت اول مشخص است که ظهور پیامبر اسلام در زمانی بوده است که ملت‌های گوناگون با عقاید مختلف زندگی می‌کردند. برخی مادی و منکر هرگونه خدایی و در میان سایرین، برخی بت‌پرست و مجوسی، و بعضی دیگر مسیحی و یا یهودی

بودند. جدای از همه اینها، سلاطین ایران و روم نیز در استعمار و استثمار ملل ضعیف دست دراز داشتند. در چنین روزگاری پیغمبر اسلام با ادعای ابلاغ فرامین الهی، پرچم توحید را برافراشت و تمامی جهانیان را به پذیرش اسلام و تسلیم در برابر خدای یگانه دعوت نمود. این دعوت به یکتاپرستی، ثنویت مجوس و تثلیث مسیحیت و نسبتهای ناروای یهود به خدا و انبیا، و رسوم و عادات جاهلیت و سایر عقاید باطل آن زمان را بسیار جدی نفی می‌نمود. همچنین اطاعت همه‌جانبه از خدا و تسلیم در برابر او عملاً با رفتار متکبرانه سلاطین آن زمان در تعارض بود. بدین ترتیب پیامبر اسلام یک تنه با همه ملل و امم، روبرو شد و برهان نبوت خود را قرآن قرار داد و با یک سلاح عقلی و فرهنگی یعنی مبارزه‌طلبی نسبت به یک کتاب، قدرتهای ملوک و سلاطین و عالمان یهود و مسیحیت و زرتشتیان و صابئان و عموم بت‌پرستان را به مقابله فراخواند؛ و البته اسلام این مبارزه فکری و عقیدتی خود را تا به امروز نیز ادامه داده و امروز بیش از همه ادوار گذشته دشمنانی دارد که سودای نابودی آن را در سر می‌پرورانند. طبیعی است که در چنین شرایطی آنان تمام قدرت

خود را متمرکز کنند تا در برابر آیینی که مطامع دین و دنیای آنها را به خطر انداخته بود مقابله کرده آنرا از بین ببرند.

آنها در عمل برای تحقق خواسته و دستیابی به مطامع خود و نابودی اسلام دست به هر اقدامی زده‌اند و می‌زنند. پیامبر اسلام و یارانش را به مدت سه سال در سخت‌ترین شرایط در شعب ابیطالب در محاصره اقتصادی قرار دادند در حالی که حداقل عوامل حیات را از آنان گرفته بود، جنگهای بزرگی چون بدر و احد از طرف کفار و مشرکین برای نابودی اسلام طرح شد و چون به نتیجه نرسید تمامی دشمنان اسلام، اعم از مشرکین و یهودی‌ها و ... با یکدیگر متحد شدند تا بلکه بتوانند در جنگ خندق ریشه اسلام را قطع کنند و ... و سایر اقدامات تبلیغاتی که بر علیه اسلام برپا شده و تا به امروز نیز ادامه دارد، و به عبارت دیگر، از انجام هر کاری که ممکن بود برای نابودی اسلام دریغ نورزیدند. آیا بهتر نبود به جای این همه صرف نیرو، یک سوره کوتاه یک سطری می‌ساختند و به دنیا عرضه می‌کردند تا در صورت برابری با قرآن، بطلان اسلام ثابت شود؟ قطعاً ساده‌ترین راه ابطال پیامبر اسلام و دینش در بطلان معجزه او به وسیله پاسخگویی به مبارزه‌طلبی آن است که از روزهای آغازین

اسلام با آن همراه بود و بنابراین یقیناً در میان خیل عظیم مخالفین اسلام که اینهمه خرج کردند و لشگر آوردند و تبلیغ کردند و شایعه پراکنی نمودند و ... انگیزه پاسخگویی به این مبارزطلبی آشکار قرآن کریم، وجود داشته و دارد.

در بررسی حالت دوم باید به سیر تکاملی ادب عرب توجه نمود. اگرچه فصاحت و بلاغت، فن رایج عصر نزول قرآن در میان اعراب بوده است، اما نه تنها آن روز فن ادب عرب رواج داشت بلکه بعد از آن هم، به طور دائم بر وسعت و اوج آن افزوده شد و امروز نیز ما در عصری قرار داریم که فن ادب عرب پرمایه‌تر از قبل و با گسترش در افق‌های تازه‌تری وجود دارد و ادیبان عرب فراوانی در میان غیر مسلمانان، در سراسر عالم حضور داشته و دارند. بنابراین از صدر اسلام تا به امروز، غیر مسلمینی که صاحب فن فصاحت و بلاغت باشند زیاد بوده و هستند و تسلط آنان به زبان عربی در حدی بوده است که صاحبان بسیاری از کتابهای لغت، تاریخ و حتی صرف و نحو عربی از میان همین اشخاص بوده‌اند. با فرض اینکه این ادیبان به خودی خود، انگیزه‌ای برای پاسخگویی به قرآن نداشتند آیا آنان که سرسختانه با اسلام در مبارزه بوده و هستند، نمی‌توانند از این ادیبان در راه هدف

خاص خود بهره برند؟ پس از آنکه روشن شد که حالت‌های اول و دوم قابل قبول نیستند، باید حالت سوم را پذیرفت که اگر نتوانسته‌اند تا به امروز پاسخ مبارزطلبیهای آشکار قرآن کریم را بدهند دلیلش تنها در عجز مخالفین بوده است و بس. و صحت ادعای قرآن بر همگان اثبات می‌شود.

شیوه فهم اعجاز قرآن (از لحاظ فصاحت و بلاغت)

نکته بسیار مهم آنکه فهم این نوع از اعجاز قرآن توسط متخصصین این فن صورت می‌گیرد. به طور کلی نیز برای مقایسه مراتب گوناگون یک فن خاص، باید از متخصصان آن فن نظر گرفت. برای توضیح بیشتر از یک مثال استفاده می‌کنیم:

فرض کنید که طبیب "الف" امروز در جهان ادعا کند که هیچ طبیبی در دنیا از نظر مهارت در فن طبابت با او برابری نمی‌کند. همچنین فرض کنید که این ادعای او بر دیگران گران تمام شده سرسختانه قصد دارند تا ادعای او را باطل سازند:

اولاً: اگر هیچ طبیبی پیدا نشود که ادعای برتری نسبت به طبیب "الف" کند بر همگان اثبات می‌شود که ادعای طبیب "الف" درست بوده است.

ثانیاً: اگر طبیب "ب" پیدا شود که ادعای برتری نسبت به طبیب "الف" کند، مردمی که تخصصی در فن طبابت ندارند نمی‌توانند بین این دو تشخیص دهند بلکه لازم است که طبیب "ب" تأیید عده‌ای از متخصصان فن طبابت را به همراه ادعای خود ارائه دهد تا ادعای او اثبات شود.

در مورد اعجاز قرآن نیز، از آنجا که کسی تا به حال نتوانسته است پاسخی مناسب و مورد تأیید ادیبان عرب ارائه دهد، بر مردمی که تخصصی هم در فن ادب عرب ندارند اثبات می‌شود که قرآن معجزه است. همچنین اگر کسی ادعا کند که توانسته است پاسخ مبارزطلبی قرآن را بدهد برای اثبات ادعای خود باید بتواند عده‌ای از ادیبان عرب دنیا را نیز به همراه خود داشته باشد.

سایر وجوه اعجاز قرآن

از آنچه تاکنون بیان شد به روشنی آشکار می‌شود که قرآن از لحاظ فصاحت و بلاغت معجزه است. اگرچه همین مقدار کافی است تا بتوانیم به این مطلب پی ببریم که قرآن کریم نمی‌تواند ساخته و پرداخته دست بشر باشد اما همانگونه که بیان کردیم، محققین اسلامی معتقدند که علاوه بر اعجاز فصاحت و بلاغت قرآن که در تکتک سوره آن مشهود است، برای کل قرآن در مجموع وجوه دیگری از اعجاز نیز وجود دارد. نکته بسیار مهم آنست که فهم این وجوه، مانند فهم اعجاز فصاحت و بلاغت، تخصصی نیست بلکه همگان با هر ملیت و هر نژادی قادر به فهم این وجوه از اعجاز می‌باشند. باید توجه داشت که محققان وجوه متعددی از اعجاز را ذکر کرده‌اند که ما به جهت اختصار تنها سه مورد از آنها را بررسی می‌کنیم:

۱- قرآن و اسرار خلقت: گرچه قرآن کتاب علوم نیست و به منظور مسایل علمی نیز نازل نشده است و منظور و هدف قرآن هدایت و رهبری جامعه بسوی سعادت دنیا و آخرت است ولی در عین حال قرآن در بسیاری موارد از این گونه مسایل در راه هدف خاص خود بهره برده است و از آنها به صورت نشانه‌هایی از قدرت لایزال الهی یاد کرده است. لذا در موارد متعددی، اشاره به بسیاری از اسرار خلقت نموده

است. این امر خود نشان دهنده آن است که قرآن از سوی کسی نازل شده است که احاطه کامل به اسرار طبیعت داشته است و او کسی نیست جز آفریننده طبیعت. در زیر سه مورد از این اسرار را که در قرآن آمده است، به اختصار بیان می‌نماییم:

الف) اشاره به حرکت زمین:

"الذی جعل لکم الارض مهذا" (سوره طه، آیه ۵۳)

"آن خدایی که زمین را برای شما مانند گهواره قرار داد."

در این آیه، قرآن با کنایه، اشاره به حرکت زمین می‌کند و آن را به گهواره‌ای تشبیه می‌کند و می‌دانیم به واسطه حرکت گهواره است که طفل در آرامش به سر می‌برد و بدینسان به حرکت زمین اشاره می‌کند. علت این امر که قرآن با صراحت به حرکت زمین اشاره نمی‌کند آن است که این جملات در زمانی نازل شده است که جز سکون زمین و حرکت افلاک به دور آن چیز دیگری برای بشر مطرح نبود. توضیح بیشتر آنکه هنگامی که هزار سال بعد گالیله برای اولین بار اعلام کرد که زمین حرکت

می‌کند او را محکوم به اعدام کردند. از همین جا می‌توان فهمید که اگر قرآن با صراحت مسأله حرکت زمین را مطرح می‌کرد به طور وسیعی مطرود می‌گشت و بنابر این قرآن این مطلب را با لطافت خاصی بیان نموده است. که اولاً با نظرات مردم آن زمان صریحاً منافات نداشته باشد و ثانیاً حقیقت را بیان کرده باشد.

ب) اشاره به عمل لقاح توسط باد:

"و أرسلنا الرياح لواقح" (سوره حجر، آیه ۲۲)

"و ما بادهای را عامل لقاح قرار دادیم."

قرنها پس از نزول قرآن بود که زیست‌شناسان پی به اثر بادهای در انجام عمل لقاح در گیاهان شدند و این از معجزات قرآن می‌باشد.

ج) "و أنزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس" (سوره حدید، آیه ۲۵)

"و ما آهن را که در آن صلابت و محکمی شدید و منافی برای مردمان در آن است نازل نمودیم."

تا قرن هجدهم یعنی دوازده قرن پس از نزول قرآن هنوز کارهای فلزی در نهایت ضعف بود و نه تنها ارزش آن شناخته نشده بود بلکه اساسا مهم و قابل توجه تلقی نمی شد تا این که ناگهان چشم دنیا به آهن دوخته شد و رقابت عجیبی در میان دانشمندان برای استخراج و استفاده بهتر از آن به وجود آمد تا آنجا که این دو قرن اخیر دوران نهضت و پیشرفت فلز اطلاق شده و دنیا منافع آن را حتما آنچنان که باید دریافته و صدق یکی دیگر از حقایق قرآن نقاب از صورت به یک سو زده است. این امر در خور توجه است که قرآن در میان تمام فلزات انگشت بر روی آهن گذاشته است و از منافع آهن سخن می گوید و امروزه این امر به وضوح مشهود است که کارایی آهن از سایر فلزات بیشتر می باشد.

۲- قرآن و اخبار آینده: قرآن در موارد متعددی شامل اخبار غیبی است که بعدا به وقوع پیوسته است. این امر حاکی از آن است که قرآن از طرف کسی نازل شده است که می‌تواند خبر از غیب بدهد و او کسی نیست جز خدای متعال که تنها داننده غیب به صورت مطلق اوست. آیاتی که قرآن در آنها به ذکر پیشگوییهای پرداخته است، بسیار زیاد است که ما در اینجا به چند مورد اشاره می‌کنیم:

الف) قبل از آنکه مکه توسط مسلمین فتح شود پیامبر در عالم رؤیا دیدند که به نشانه خروج از احرام موهایی سر خود را تراشیده‌اند و از آنجا که رؤیای انبیاء رؤیای صادق است به اصحاب خویش وعده دادند که به زودی وارد مسجد الحرام می‌شوند. در سال ششم هجری آن حضرت به همراه جمعی از اصحاب به قصد زیارت خانه خدا راهی مکه شدند که در بین راه مشرکین در منطقه حدیبیه از حرکت آنان جلوگیری کردند و کار به صلح حدیبیه انجامید و قرار شد مسلمانان برگردند و سال بعد برای انجام مراسم حج عازم شوند. پس از انعقاد پیمان صدای اعتراض بعضی از

اصحاب برخاست و صدق رؤیای پیامبر را مورد تردید قرار دادند در چنین شرایطی
آیه زیر نازل گردید:

"لقد صدق الله رسوله الرؤيا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله آمنين
محلقين رؤسكم و مقصرين لا تخافون ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحا
قريبا" (سوره فتح، آیه ۲۷)

"خداوند صدق خواب رسولش را آشکار خواهد ساخت که شما مسلمانان با دل ایمن
به مسجد الحرام وارد شوید و سرها بتراشید و تقصیر کنید بدون ترس و هراس.
پس خداوند آنچه را شما نمی دانستید مقرر داشت و از پس آن فتحی نزدیک قرار
داد."

در این آیه ضمن تأیید رؤیای پیامبر فتح مکه را نیز به مسلمین نوید داده شده است.
در سال هفتم هجرت بود که درستی خواب آن حضرت تحقق یافت و مسلمانان به
زیارت خانه خدا نایل شدند و یک سال بعد نیز دومین وعده قرآن به وقوع پیوست و
در پی شکستن صلح توسط کفار، مکه توسط مسلمین فتح شد.

ب) جنگ بدر نخستین جنگ مسلمانان با کفار قریش بود. کاروانی از کفار مکه با مال التجاره فراوان از نزدیکی‌های مدینه عبور می‌کردند. مسلمین از پیامبر اجازه گرفتند تا به جبران اموال و منازل آنها که در مکه به غارت رفته بود به کفار حمله کنند و اموال آنها را بگیرند. پیامبر اجازه فرمودند و در این هنگام آیه ذیل نازل شد:

"و اذ يعدكم الله احدى الطائفين انها لكم و تودون ان غير ذات الشوكه تكون لكم و يريد الله ان يحق الحق بكلماته و يقطع دابر الكافرين"

"و هنگامی که خداوند به شما وعده داد که یکی از دو گروه برای شما خواهد بود و شما دوست می‌داشتید که آن یکی که خالی از رنج بود برای شما باشد و خداوند می‌خواهد که حق را با کلمات خود تقویت و ریشه کافران را قطع نماید."

این آیه نتیجه وقایع جنگ بدر را بیان می‌فرماید. با وجودی که تعداد نفرات دشمن چند برابر نفرات مسلمین بود و نگرانی در بین بعضی مشاهده می‌شد ولی قرآن صریحاً بشارت داد که یا پیروزی در جنگ و یا مال التجاره از آن مسلمین شود.

ج) هنگامی که فرزند پیامبر از دنیا رفت شخصی به نام عاص بن وایل گفت: "همانا محمد ابتر است. پسری ندارد که قائم مقام او باشد و وقتی مرد یاد او منقطع خواهد شد. در این هنگام آیات سوره کوثر بر پیامبر نازل شد:

"انا اعطیناک الکوثر فصل لربک وانحر ان شانئک هو الابر"

"ما به تو خیر بسیار دادیم پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن همانا آن کس که تو را سرزنش می‌کند همان ابتر است."

در این آیات خبر داده می‌شود که آن کسی که آن حضرت را ابتر خواند نسلش منقرض و نسل آن حضرت باقی خواهد بود.

۳- آورنده قرآن کریم: یکی از مسایل مسلم در زندگی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که بسیار روشن و غیر قابل انکار است "أُمّی" بودن آن حضرت است. بدین معنا که آن حضرت نه خوانده بودند و نه نوشته بودند و نه اساساً معلمی دیده

بودند. این مسأله آنقدر مسلم است که خاورشناسان معروف غربی نیز در کتب خویش به این حقیقت اعتراف دارند. بر این اساس صدور الفاظی مانند کلمات قرآن کریم که آن همه جنبه‌های اعجازی اعم از فصاحت و بلاغت و اسرار خلقت و اخبار غیبی و... که پیشتر بیان کردیم در آن نهفته است از یک چنین شخصی، قطعاً دلیل آن خواهد بود که این کار خدایی است و این علم علمی است که از طریق وحی کسب شده است. قرآن کریم خود در این مورد می‌فرماید:

"و ما کنت تتلوا من قبله من کتاب و لا تخطه بيمينک اذا لارتاب المبطلون" (سوره عنکبوت، آیه ۴۸)

"تو ای پیامبر، پیش از نزول قرآن کریم هیچ کتابی را نمی‌خواندی و هیچ نوشته‌ای را نمی‌انگاشتی که در آن صورت، افراد وسوسه‌گر در مورد صحت رسالت تو به تردید می‌افتادند."

سخن آخر

گرچه قرآن دارای وجوه اعجاز متعددی است، اما اینها به این معنی نیست که قرآن یک کتاب ادبی و یا یک کتاب در خصوص مسایل اسرار خلقت و ... باشد. بلکه از این مسایل در راه هدف خاص خود استفاده کرده اثبات می‌کند که معجزه است. آنگاه خود را کتاب هدایت معرفی می‌کند و بنابراین آنان که اعجاز قرآن برایشان روشن شده است باید که طریق هدایت و معارف صحیح الهی را در قرآن بیابند. از این رو ایمان ما به سایر پیامبران الهی و معجزات آنان نیز پس از اثبات اعجاز قرآن و گوش دادن به اخبار غیبی است که قرآن از انبیای گذشته نقل می‌کند.

در یک جمع‌بندی کلی مطالب این مقاله را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

۱- معجزات انبیای گذشته مخصوص به زمان خاص خودشان بوده است و امروزه چیزی از آنها در دسترس ما قرار ندارد. در این میان، تنها قرآن را می‌یابیم که ادعا می‌کند یک معجزه همیشگی است.

۲- قرآن کریم برای اثبات صحت ادعای خود، تمامی عالمیان را آشکارا به مبارزه می‌خواند تا اگر می‌توانند کلماتی مانند آیات قرآن بیاورند.

۳- آن وجه اعجاز قرآن کریم که قرآن نسبت به تک تک سور خود بدان تحدی

نموده، فصاحت و بلاغت آیات آن است. البته برای قسمت‌های مختلف قرآن، علاوه

بر فصاحت و بلاغت، وجوه دیگری از اعجاز وجود دارد.

۴- از یکسو مخالفین اسلام در عمل چه در اعصار گذشته و چه در عصر حاضر از

پرهزینه‌ترین و سخت‌ترین کارها برای بطلان اسلام دریغ نورزیده‌اند و از سوی

دیگر در برابر ساده‌ترین اقدام که پاسخگویی به مبارزطلبی قرآن بود سکوت

کردند و هیچ نمونه قابل توجهی که از لحاظ فصاحت و بلاغت، صاحب‌نظران، آن را

همتای قرآن بدانند نیاورده‌اند و این در حالی است که هم انگیزه کافی داشتند و

هم ادیبان عرب توانا. این خود بهترین دلیل از عجز آنها در برابر قرآن می‌باشد.

۵- در قرآن، در موارد متعددی اشاره به اسرار خلقت شده است که سر آنها قرن‌ها

بعد معلوم شده است. این حاکی از آن است که قرآن از سوی کسی نازل شده

است که احاطه کامل بر اسرار خلقت داشته است.

۶- در قرآن، در موارد متعددی پیش‌گویی‌های غیبی آمده است که بعداً محقق شده است و این نشان می‌دهد که قرآن از سوی کسی نازل شده است که احاطه به غیب دارد.

۷- قرآن با این همه وجوه اعجاز که ذکر شد به وسیله پیامبری آورده شده است که به گواهی تاریخ درس ناخوانده بوده است. این امر به وضوح نشان می‌دهد که او قرآن را از پیش خود نیاورده است بلکه از سوی پروردگار عالمیان فرو فرستاده شده است.

نتیجه گیری

از آنچه بیان شد مشخص شد که قرآن معجزه‌ای است برای تمامی اعصار و برای تمامی ملتها و بنابراین، این کتاب مقدس از جانب خدا نازل گشته است. همچنین با مشخص شدن اعجاز قرآن، صدق ادعای نبوت پیامبر اسلام آشکار می‌گردد. بنابراین

امروزه تمامی انسانها می‌توانند با تحقیق و بررسی در خصوص این کتاب و مشاهده

اعجاز آن، به نبوت پیامبر اسلام و حقانیت آیین او پی ببرند